

نگاهی به ریشه ها و اهداف یهودی ستیزی احمدی نژاد

فرهاد شعبانی

احمدی نژاد در نشستی مطبوعاتی در حاشیه اجلاس فوق العاده سران "سازمان کنفرانس اسلامی" در شهر مکه، گفت:

"قبول ندارد که هیتلر میلیونها یهودی را در کوره های آدم سوزی سوزانده، و حتی اگر فرض بر صحت این "ادعا" گذاشته شود. چرا کشورهای اروپایی که بدلیل کشتار یهودیان به دست هیتلر از اسرائیل حمایت می کنند. در خاک خود مثلاً" در آلمان و یا اتریش چند ایالت را به صهیو نیستها نمی دهند تا دولتشان را در آنجا تشکیل دهند".

این دومین موضع گیری جنجالی احمدی نژاد علیه دولت اسرائیل و یهودیان طی ۴۵ روز گذشته است. او در چهارم آبان در همایشی با تم " جهان بدون صهیونیسم" که در تهران برگزار شد، خواهان محو اسرائیل از نقشه جهان شده بود. هر دو موضع گیری احمدی نژاد با واکنش های اعتراضی از جمله عکس العمل دبیر کل سازمان ملل متحد و شماری از سران کشورهای غربی روبرو شد. اینبار نیز محکومیت شورای امنیت ملی سازمان ملل را بدنبال داشت. مضافاً اینکه سران بسیاری از کشورهای غربی، روسیه و ترکیه نیز با لحن های صریح و بعضاً "آمیخته به ملاحظات دیپلماتیک موضع گیری اخیر احمدی نژاد را محکوم کردند.

در این نوشته کوتاه سخنان یهودی ستیزانه احمدی نژاد را از نظر خواهیم گذراند. برخی بر این باورند که ایراد چنین سخنانی از حماقت و ناشیگری دیپلماتیک احمدی نژاد نشات می گیرد. بنظر نمی رسد چنین باشد.

احمدی نژاد لایه ای از جناح راست حکومت اسلامی ایران را نمایندگی می کند که به اصول گرایی در ایدئولوژی و افراطی گری در سیاست مشهور است. به این اعتبار این سخنان می تواند هم ریشه در اندیشه های دینی احمدی نژاد داشته باشد و هم آگاهانه و با مقاصد خاص سیاسی ایراد شوند.

سه دین توحیدی جهان، یعنی اسلام، مسیحیت و یهودیت علیرغم اشتراکاتشان دارای اختلافات ریشه دار و تاریخی اند. مابین پیروان این ادیان از همان آغاز پیدایش و به طول چندین سده جنگهای خونینی در جریان بوده و میلیونها انسان قربانی این جنگها و اختلافات شده اند. اختلافاتی که هنوز هم قربانی می گیرد. اختلاف مابین اسلام و یهودیت به صدر اسلام و سالهای اولیه شکل گیری اولین حکومت اسلامی در مدینه برمیگردد. کشمکش هائی که پیامد آن سوای کشتار شمار زیادی از یهودیان ساکن در مدینه، کوچ اجباری سه قبیله ساکن در این شهر، قبایل بنی قینقاع، بنی نظیر و کشتار قبیله بنی قریظه را بدنبال داشته است.

بنابراین در دنیائی که رشد بنیادگرایی مذهبی یکی از مشخصه آن است، طبیعی است که رهبران افراطی این ادیان در تنور این اختلافات دمیده و شیپور نابودی همدیگر را به صدا در آورده؛ و در پوشش آن منافع امروزی خود را پی گیرند. از اینرو بخشی از اظهارات یهودی ستیزانه ی احمدی نژاد افراطی که در قالب تلاش برای پاک کردن اسرائیل از نقشه جهان، انکار کشتار یهودیان توسط هیتلر و خواست انتقال این کشور به اروپا طرح می شود بخشاً" ریشه در این اندیشه ها دارد، و ادامه همان سیاست و دشمنی هاست است. اما این اصل ماجرا نیست.

رژیم جمهوری اسلامی و دولت احمدی نژاد، هم در بعد داخلی و هم در سیاست خارجی خود با مشکلات فراوانی روبروست، مشکلاتی مانند اجرائی کردن وعده های انتخاباتی، پاسخ به مطالبات کارگران که حالت تورمی بخود گرفته و کارگران را هر روز به خیابان میاورد و پاسخ می طلبد. خواستها و مطالبات عادلانه مردم کردستان برای رفع ستم ملی، حل پیامدهای آسیب های اجتماعی چون اعتیاد، کودکان خیابانی و دهها مطالبه انسانی دیگر که جمهوری اسلامی ظرفیت پاسخ گفتن به آنها را ندارد، و بجای آن فرا افکنی می کند. و می کوشد بر مشکلات داخلی با درگیر کردن افکار عمومی در

بازی هسته ای و این نوع جنجالها سرپوش بگذارد؛ و این مطالبات را به بهانه امنیتی کردن فضای داخل کشور، سرکوب کند.

در بعد بین المللی هم دخالت در مسائل داخلی عراق و افغانستان، حمایت مادی و معنوی از تروریسم، نقض حقوق بشر و ایجاد نیروگاه هسته ایی با مقاصد نظامی اتهاماتی است که علیه جمهوری اسلامی مطرح است.

در چنین شرایطی مشاورین احمدی نژاد بر این بارورند که با برپا کردن چنین جنجالهایی هم مشکلات داخلی را تحت الشعاع قرار می دهند و هم اینکه در برخورد به غرب ابتکار عمل را بدست خواهند گرفت و امتیاز می گیرند.

اما جمهوری اسلامی هر هدفی را تعقیب کند، نمی تواند با این جنجال آفرینی ها مشکلات متناوبه دامنگیر خود را دور بزند. تا آنجائیکه به بعد داخلی این سخنرانیها برمیگردد نه کسی را به وجد می آورد و نه بسیج کننده نیروئی است. هیچ تحرک اعتراضی کارگری و توده های معترض دیگر را هم تحت الشعاع قرار نمی دهد. در اثنای ایراد این سخنرانیها دهها حرکت اعتراضی کارگری و دانشجویی در جریان است و کل حاکمیت را در مقابل پرسش قرار داده است.

در بعد بین المللی هم، با این موضعگیریها جمهوری اسلامی برعکس تصور خود، نه تنها نمی تواند بر موج ضد آمریکائی منطقه سوار شود، بلکه در کنار فاشیستی ترین گرایشها و اندیشه های جهانی قرار می گیرد. و از نگاه افکار عمومی به این اعتبار قضاوت می شود؛ و پا در گستره انزوای هر چه بیشتر می گذارد و البته که شایسته نشستن بر چنین کرسیهایی هست!

از نگاهی دیگر این مردم رنج کشیده فلسطین اند که تاوان این عربده کشی را خواهند پرداخت. چرا که بدنبال هر موضعگیری این چنینی جریانات وابسته به آن دست به عملیات ضد اسرائیلی زده و دولت نژاد پرست اسرائیل که خود اساساً ماهیتی سرکوبگرانه دارد بهانه یافته شهرکها و مناطق فلسطینی را مورد درنده انه ترین پورشها قرار می دهد. از طرفی دیگر زمینه برای افکار سازی افراطیون یهودی علیه مردم دردمند فلسطین فراهم می شود.

خلاصه کنیم، این بنام ابتکار عمل دیپلماتیک احمدی نژاد با هر مقاصدی طرح شود محتوم به شکست است. به این دلیل ساده که زمین زیر پای این دولت نه در بعد داخلی و نه در قلمرو بین المللی چندان محکم نیست. مطالبات و خواستهای کارگران و زحمتکشان ایران، زنان و دانشجویان و ملیتهای تحت ستم ریشه دار تر از آنست که با این جنجالها بتوان آن را دور زد. آتش خشم و نفرت مردم از جمهوری اسلامی دیر یا زود دامن این دولت و کل نظام را خواهد گرفت.